info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۷۸۹
چهارشنبه / ۱۱ تیر / ۱۴۰۴
۶ / محرم / ۱۴۴۷
02 / July / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۳۲۵۴۳۰۱۰-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

مَکش آن آهوی مُشکین مرا ای صیّاد
شرم از آن چشم سیه دار و مَبَندش به کمند
منِ خاکی که از این در نتَوانَم برخاست
از کجا بوسه زنم بر لبِ آن قصر بلند؟

فرازی از ادبیات

به ترک عشرت امروز چون کنم که کسی
ضمان نمی شود از من حیات فردا را

جامی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۰۸	۰۴:۵۴	۱۲:۱۰	۱۹:۲۶	۱۹:۴۷

برگه

باهوش‌ها از همه‌چیز و همه‌کس می‌آموزند. انسان‌های معمولی از تجربیات خود. نادان‌ها هم جواب همه‌چیز را دارند...

سقراط

اشاره

اسرائیل اینگونه «فیلم» بازی می کند!

«فیلم محاکمه گلدمن» بخش بسیار کوچکی از آن چیزی است که اسرائیل را ساخته است بخش بسیار کوچکی از همان روندی است که از اسرائیل دفاع می‌کند بخش بسیار بسیار کوچکی از آن چیزی است که باعث می‌شود اسرائیلی به خود اجازه بدهد هر گونه رفتاری با ملتهای دیگر داشته باشد»

به گزارش پیام آشنا به نقل از الف، رولان بارت نظریه‌پرداز فرانسوی در یکی از نظریه‌های خود به «بینامتنیت خوانشی» اشاره می‌کند و منظور او این است که درک و دریافت مخاطب یک اثر ادبی و هنری، مبتنی بر تجربه زیسته اوست. این دقیقا همان نکته‌ای است که با دیدن فیلم «محاکمه گلدمن» به کارگردانی سدریک کلن در شرایط امروز ایران می‌شود تجربه کرد.

آوریل سال ۱۹۷۶ است و دومین دور دادگاه پیر گلدمن، تروریست چپ‌گرای اقراطی فرانسوی با اصالت لهستانی در حال برگزاری است. گلدمن به خاطر چهار دزدی مسلحانه که یکی از آنها منجر به کشته شدن دو کارمند داروخانه‌ای در سال ۱۹۶۹ در پاریس شده متهم شده و دور اول دادگاه او را به حبس ابد محکوم کرده بوده است و حالا در دور دوم دادگاه با حضور وکلای وی و وکلای راست‌گرای فرانسوی در حال بررسی مجدد پرونده او هستند. گلدمن طی ۶ سال گذشته زندانی بوده و در این مدت کتاب خاطراتش را منتشر کرده و به فروش خوبی هم رسیده است.

گلدمن بارها در طول دادگاه اعلام می‌کند که بیگناه است و کسی را نکشته است. طرفداران (سفید و سیاه) در دادگاه حضور دارند که آنها نیز مرتب فریاد می‌زنند: گلدمن، بیگناه؛ گلدمن بیگناه. قاضی در ابتدا بیوگرافی گلدمن را بر اساس خاطراتش در کتاب، از وقتی متولد شده مرور می‌کند و بعد اتهامات و دفاعیات شروع می‌شود و اینجاست که گلدمن هم به شاهدان که شواهدی مبنی بر کشته شدن دو کارمند داروخانه توسط گلدمن دارند، نفرین می‌گوید و آنها را نژادپرست خطاب می‌کند. دو وکیل راست‌گرا تلاش می‌کنند صحبت شاهدان را تایید کنند و می‌خواهند جریان دادرسی را به سمت مجرم شناخته شدن گلدمن بکشانند.

اینکه کارگردان این فیلم چقدر خوب توانسته فیلمی را که تقریبا تمام آن در یک دادگاه می‌گذرد، بسازد شکی نیست و همین برای او جایزه بهترین کارگردانی را از جایزه سزار ۲۰۲۴ به ارمغان آورده است. همچنین بازیها خصوصا آریه ورتهالتر (در نقش پیر گلدمن) و متن فیلمنامه بسیار عالی است و بقیه عناصر فرمی فیلم خیلی خوب توانسته مخاطب را تا آخرین لحظه و اعلام رای دادگاه همراه کند.

اما غیر از این وجوه فرمی، به لحاظ محتوایی شاید «محاکمه گلدمن» اهمیتی فراتر از یک دادگاه و نجات جان یک متهم از حبس ابد نداشته باشد، اما آنچه «محاکمه گلدمن» را در شرایط امروز ایران، برای مخاطب ایرانی مهم می‌کند، لایه زیرین زندگی گلدمن یا همان بینامتنیت خوانشی برای مخاطب ایرانی است. پیر گلدمن یک یهودی است که گرچه در زمان جنگ جهانی دوم و کشتار دسته جمعی یهودیان توسط نازی‌ها یک ساله بود، طعم تلخ جنگ را کشیده در آشوبیتس آزاد دیده و باید اینها را درباره نژادپرستی و کارهای خلافی که در پاریس و به دلیل فقر مرتکب شده در نظر گرفت و حتی او را محق دانست. برای همین در زمان دفاع نهایی، وکیل یهودی و حتی غیریهودی او دفاعیاتشان را آنچنان با احساسات درهم می‌آمیزند تا بالاخره موفق می‌شوند حکم برائت او در مورد اتهام قتل کارمندهای داروخانه را از دادگاهی که قاضی آن در تمام مدت دادرسی به شدت جدی برخورد می‌کرد، هیات ژوری که تقریبا در تمام مدت جلسات دادرسی در سکوت شاهد ماجرا بودند و حتی دو وکیل راست اقراطی بگیرند.

گلدمن به عنوان یک متهم در طول جلسات دادگاه به پلیس فرانسه که او را در سال ۱۹۶۹ دستگیر کرده و آن روز در دادگاه شواهدی مبنی بر قاتل بودن گلدمن دارد، فریاد می‌زند و آنها و حتی وکیل راست اقراطی را «نژادپرست» خطاب می‌کند. تذکرهای قاضی و وکیایش هیچ تاثیری در تصحیح رفتار او ندارد. حرف تمام شاهدان را ممکن می‌شود و مرتب فریاد می‌زند من بیگناهم و وکیل یهودی او می‌خواهد دین خود را از قاضی و دادگاه پنهان کند. راست اقراطی کاری از دستش برنمی‌آید. قاضی و هیات ژوری با شنیدن دفاعیات وکلای او در نهایت رای به برائت او می‌دهند. گرچه مخاطب متوجه نمی‌شود که آیا واقعا او کارمندهای داروخانه را کشته یا نه، حس همدردی با گلدمن و گذشته‌اش را درمی‌یابد. فریادهای او سر شوق حضار وقتی رای دادگاه را می‌شنوند می‌بینید و درک می‌کند.

فیلم «محاکمه گلدمن» بخش بسیار کوچکی از آن چیزی است که اسرائیل را ساخته است بخش بسیار کوچکی از همان روندی است که از اسرائیل دفاع می‌کند بخش بسیار بسیار کوچکی از آن چیزی است که باعث می‌شود اسرائیل به خود اجازه بدهد هر گونه رفتاری با ملتهای دیگر داشته باشد چرا؟ چون روزی مورد ستم قرار گرفته، چون اروپا در این رواداری ستم شریک بوده، چون باید ستم را جبران کند. اینکه چرا و چطور مهم نیست، مهم این است که یهودی زنده مانده از جنگ جهانی دوم باید «آقایی» کند، اجازه دارد هر دو تهمتی بزند، حق دارد دیگران را بکشد و اروپا و غرب باید از او حمایت کنند وگرنه این زاده دستنشان، دست آنها را هم گاز خواهد گرفت. این را مخاطب ایرانی، امروز که نه طی سالها اشتغال فلسطین دریافته و یا حمله اسرائیل به خاک کشور با گوشت و پوست درک کرده است، درکی که حتما می‌تواند متفاوت از درک یک فرانسوی یا غیر ایرانی و غیرمسلمان باشد. «محاکمه گلدمن» سر سوزنی از اسرائیل و دفاع اروپا و غرب از اوست. برای همین یک کارگردان اروپایی (فرانسوی) باید چنین فیلمی بسازد تا هژمونی حاکمیت و حقانیت اسرائیل را بر جهان حفته کند. این فیلم در بخش ۱۵ روز کارگردانان در جشنواره بین المللی فیلم کن به نمایش درآمد و بعد در بسیاری از کشورها به شکل آنلاین در اختیار مخاطبان در کشورهای متعددی قرار گرفت.

گزارش روز

سرانجام آتش‌بس ایران و اسرائیل چه خواهد شد؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از نورنیوز، پس از ۱۲ روز تبادل آتش مستقیم میان ایران و اسرائیل، اکنون سکوتی شکننده بر فضای تروریستی یک منطقه حاکم شده است. سکوتی که پیش از آنکه از توافقی صلح‌طلبانه نشأت گرفته باشد، حاصل موازنه‌ی پرتنش و موقتی است. این آتش‌بس ناقوشته، نه با بایه‌ی توافقی رسمی استوار است، نه با تضمینی بین‌المللی پشتیبانی می‌شود و نه بر اعتماد متقابل استوار است. در چنین فضایی، پرسش اساسی این است: این آتش‌بس به کدام‌سو خواهد رفت؟

احتمالات پیچیده‌ای برای فردای آتش‌بس

آینده‌پژوهی بر پایه روندها، الگوهای رفتاری گذشته و جایگاه بازیگران مؤثر، ما را به پنج سناریوی اصلی درباره‌ی سرنوشت آتش‌بس میان ایران و رژیم صهیونیستی می‌رساند.

الف) نخستین و محتمل‌ترین سناریو: تداوم وضع موجود، یعنی آتش‌بس شکننده است در این حالت، دو طرف به دلایل راهبردی و هزینه‌های بالای جنگ، فعلاً ترجیح می‌دهند وارد تکرار تقابل علنی نشوند. رژیم صهیونیستی به‌دنبال اجتناب از جنگ فرسایشی است که تاب‌آوری داخلی رژیم را بیشدت تحت تاثیر قرار داده است و ایران نیز در حال اولویت‌بخشی به تنظیمات سیاست خارجی، شرایط اقتصادی و بازسازی‌مدعی سریع نیروهای مسلح است. در این مسیر، چین و روسیه به همراه کشورهای عرب منطقه خلیج فارس نقش مؤثری ایفا می‌کنند؛ به‌ویژه، چین که حفظ ثبات در خلیج فارس را با منافع راهبردی خود گره زده و مدتی پیش، میانجی آشتی تهران‌ریاض نیز بوده است.

ب) سناریوی دوم، بازگشت به جنگ اطلاعاتی و برخی عملیات‌های ویژه در سطح محدود است. تاریخ رفتار امنیتی اسرائیل نشان می‌دهد که این رژیم همواره ترجیح داده جنگ را بدون پذیرش مسئولیت اقدامات پیش ببرد. واکنش ایران در چنین شرایطی نیز طبیعتاً می‌تواند در میدان‌های نزدیک به رژیم صهیونیستی با استفاده از ظرفیت‌های در اختیار و حتی عملیات سایبری شکل بگیرد. در صورت فعال‌تر شدن مجدد این نوع از نبرد، می‌توان گفت آتش‌بس مستقیم به اشکالی پنهان‌متنقل می‌شود.

پ) اما سناریوی سوم، شکستن آتش‌بس از سوی اسرائیل با حمله محدود و غافلگیرانه است. این رفتار برای اسرائیل تازگی ندارد. تل‌آویو در گذشته نیز بدون هشدار قبلی دست به عملیات‌هایی چون ترور یا خرابکاری زده است. در چنین حالتی، واکنش ایران نیز چندچوبه بیشتر اعلام شده اقدام متقابل خواهد بود که به منزله واژه‌ی باز کردن ضربات محدود از سوی طرفین به یکدیگر می‌باشد.

ت) سناریوی چهارم، فروپاشی کامل آتش‌بس و آغاز جنگ مستقیم است؛ وضعیتی که معمولاً با یک جرقه فاجعه‌بار شکل می‌گیرد. مثلاً حمله‌ای بزرگ به یکی از مراکز هسته‌ای یا دست زدن رژیم صهیونیستی به ترور مشابه اقداماتی که در ۳۳ خرداد ماه انجام شد. در این حالت، به احتمال قوی سطح و گستره بحران نسبت به موج اول شدیدتر خواهد بود و چه بسا متناطق درگیری نیز گسترده‌تر شود. در صورت شکل‌گیری چنین روندی به طور قطع کشورهای منطقه به ویژه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، که میزبان پایگاه‌های نظامی آمریکا هستند، نخستین نگرانی این بحران خواهند بود و احتمال دارد خواستار مداخله فوری چین یا روسیه یا نهادهای بالادستی بین المللی برای میانجی‌گری شوند.

ث) سرانجام، سناریوی پنجم، رسیدن به یک توافق پایدار غیررسمی یا میانجی‌گری قدرت‌های متطقه‌ای یا جهانی است. این سناریو، هرچند دور از ذهن به نظر می‌رسد، اما محتمل است اگر فشار قدرت‌های بزرگ برای ثبات در بازار انرژی افزایش یابد. طبق برخی گزارش‌ها، چین و عمان در این میان، نقش‌های مؤثری را در ماه‌های اخیر ایفا کرده‌اند و ممکن است بار دیگر برای کاهش تنش وارد میدان شوند. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که محتمل‌ترین مسیر پیش‌رو، ادامه وضع شکننده فعلی یا انتقال تقابل به میدان‌های مبتنی بر وارد کردن ضربات محدود از سوی طرفین به یکدیگر است. برخی از تحلیل‌گران عقیده دارند که ایران و اسرائیل، در چارچوب محاسبات بازدارندگی، فعلاً ترجیح می‌دهند درگیری مستقیم را کنترل‌شده نگاه دارند اما کافی است تنها یک خطای راهبردی یا حادثه امنیتی، تمام موازنه‌ها را به هم بزند.

در چنین شرایطی، نقش‌آفرینی فعال قدرت‌های متطقه‌ای و جهانی، از جمله چین، روسیه، کشورهای عربی و سازمان ملل، بیش از هر زمان دیگری ضروری است. برای بزرگ در حال جریان است و جنگ آینده نه فقط در میدان نبرد، بلکه در ذهن‌ها، روایت‌ها و تصمیم‌گیری‌های پشت پرده تعیین خواهد شد.

تاب‌آوری اجتماعی و انسجام ملی: میدان تعیین‌کننده‌دوشت‌جبهه‌ها

یکی از متغیرهای اثرگذار بر شکل‌گیری بازپویایی این سناریوها، تاب‌آوری اجتماعی و انسجام ملی در دو سوی متازعه است. در ایران، علی‌رغم فشارهای اقتصادی و چالش‌های داخلی، تجربه نشان داده که در بزنگاه‌های امنیتی و تهدید بیرونی، جامعه، تمایل به همگرایی و حمایت از نهادهای ملی دارد. حضور چشمگیر مردم در آیین تشییع شهدای حمله اخیر اسرائیل به ایران، نشانه‌ای از آمادگی روانی جامعه برای دفاع از حاکمیت ملی است. این تاب‌آوری می‌تواند پشتوانه‌ای کلیدی برای راهبرد بازدارندگی فعال ایران باشد.

در مقابل رژیم صهیونیستی با بحران جدی انسجام اجتماعی مواجه است. از یکسو، شکاف‌های ایدئولوژیک و سیاسی داخلی و عدم وجود یک ملت با تعریف کلاسیک آن و از سوی دیگر، بحران اعتماد از جمله فلقلگیر کننده اکتبر ۲۰۲۳، قدرت بسیج اجتماعی را کاهش داده است. همین مسئله باعث می‌شود اسرائیل برای جلوگیری از فرسایش داخلی، به‌جای ورود به یک جنگ پرهزینه به حملات محدود، عملیات سایبری یا جنگ‌های نیابتی تمایل بیشتری داشته باشد.

انسجام ملی و تاب‌آوری اجتماعی نه‌تنها پشتوانه راهبردی برای مواجهه نظامی است، بلکه در مدیریت پس از بحران، کنترل افکار عمومی، روایت‌سازی و حتی در پایداری در برابر فشارهای بین‌المللی نقش کلیدی ایفا می‌کند. اگر ایران بتواند از ظرفیت‌های ملی خود در زمینه اطلاع‌رسانی، وحدت سیاسی و کارآمدی مدیریتی بهره گیرد، در سناریوهای پیش‌رو موقعیت بهتری خواهد داشت. برعکس، شکستگی اجتماعی در جبهه مقابل، می‌تواند عاملی تعیین‌کننده در خودداری آن‌ها از اقدامات پرخطر باشد. محتمل‌ترین آینده برای آتش‌بس فعلی، بازگشت به جنگ اطلاعاتی و برخی عملیات‌های ویژه در سطح محدود است. جنگ، تمام‌عیار، اگرچه در کوتاه‌مدت بعید به نظر می‌رسد، اما همواره بر لبه‌ی تصمیم‌های سیاسی، حوادث امنیتی یا بازی‌های اطلاعاتی ایستاده است. در چنین صحنه‌ای، فقط توان نظامی یا دیپلماتیک تعیین‌کننده نیست؛ بلکه قدرت تاب‌آوری جامعه، انسجام درونی، روایت‌سازی رسانه‌ای و مدیریت افکار عمومی است که برنده واقعی متازعه را مشخص خواهد کرد و امروز، بیش از همیشه، آینده به کسانی تعلق دارد که «نه فقط میدان جنگ، بلکه افق میدان را می‌فهمند.

مکث

جاسوسی که بیشترین ناسزا را به اسرائیل می گفت!

الی کوهن یکی از مشهورترین جاسوسان تاریخ اسرائیل است که به دلیل نفوذ عمیق و موفقیت‌آمیزش در ساختار سیاسی و نظامی سوریه در دهه ۱۹۶۰ میلادی شهرت یافت. این شهرت چنان بود که چند ماه پیش رسانه‌ها خبر دادند موساد با همکاری یک سرویس اطلاعاتی خارجی که نام‌اش فاش نشده، طی یک عملیات مخفیانه، هر آنچه که متعلق به «الی کوهن» در سوریه بوده را به سرقت برده و به ارائه‌ی اشغالی انتقال داده است. اما الی کوهن که دهها شعارهای تندی علیه اسرائیل می‌داد و در عین حال جاسوس آنها بود که بود و چه کرد؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از خبر فوری، الی کوهن در ۶ دسامبر ۱۹۲۴ در اسکندریه، مصر، در یک خانواده یهودی ارتدوکس و صهیونیست با ریشه سوری (از شهر حلب) به دنیا آمد. خانواده او از طبقه متوسط بودند و در محله‌ای یهودی‌نشین زندگی می‌کردند. پس از تأسیس رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ و افزایش فشارها بر یهودیان مصر، کوهن در فعالیت‌های مخفی صهیونیستی برای انتقال اطلاعات و سازمان‌دهی فرار یهودیان از مصر نقش داشت. او در سال ۱۹۵۱ به دلیل فعالیت‌های صهیونیستی بازداشت شد و در سال ۱۹۵۶ مجبور به ترک مصر و مهاجرت به اسرائیل شد.

یک تاجر جعلی

پس از مهاجرت به اسرائیل در سال ۱۹۵۷، کوهن ابتدا به ارتش اسرائیل پیوست و سپس برای عضویت در موساد (سازمان اطلاعاتی و عملیات ویژه اسرائیل) اقدام کرد. در ابتدا درخواست او رد شد اما در سال ۱۹۶۰، پس از تغییر رئیس موساد و نیاز به فردی با توانایی‌های خاص برای نفوذ به سوریه، او به عضویت موساد درآمد. کوهن تحت آموزش‌های فشرده جاسوسی قرار گرفت که شامل یادگیری زبان عربی فصیح، رمزنگاری و مهارت‌های نفوذ بود. موساد برای او هویت جعلی «کامل امین ثابت»، یک تاجر ثروتمند سوری که در آرژانتین زندگی کرده و به وطن بازگشته ایجاد کرد. برای تقویت این هویت، او ابتدا به آرژانتین فرستاده شد تا پیشینه‌ای معتبر برای خود بسازد.

مأموریت در سوریه (۱۹۶۵-۱۹۶۱)

در سال ۱۹۶۱، کوهن با هویت جعلی خود وارد دمشق شد و به سرعت با استفاده از جذابیت شخصیتی، سخاوت و مهارت‌های اجتماعی خود توانست اعتماد مقامات بلندپایه سوری از جمله نظامیان و سیاستمداران را جلب کند و با امین الحافظ، رئیس جمهور بعدی سوریه، دوست نزدیکی برقرار کرد و حتی به‌عنوان گزینه‌ای برای معاونت وزارت دفاع مطرح شد! کوهن اطلاعات حساس نظامی و سیاسی را از طریق فرستنده رادیویی، نامه و گاهی به‌صورت حضوری به اسرائیل منتقل می‌کرد. از مهمترین مسئولیت‌های او می‌توان به ارائه اطلاعات دقیق از استحکامات نظامی سوریه در بلندی‌های جولان، از جمله موقعیت سنگرها و پایگاه‌های نظامی اشاره کرد و به یهانه کاشت درخت برای ایجاد سایه برای سربازان سوری، موقعیت‌های نظامی را علامت‌گذاری کرد که بعدها به اسرائیل در جنگ شش‌روزه (۱۹۶۷) کمک بسیاری کرد. همچنین کشف برنامه‌های مخفی ارتش سوریه برای ایجاد پدافند چندلایه و پروژه‌های انتقال آب که می‌توانست برای تأمین آب اسرائیل تهدید باشد از جمله داده‌های ارزشمند او بود.

پخش زنده اعدام

در ژوئیه ۱۹۶۵، او به دلیل استفاده مکرر از فرستنده رادیویی در آپارتمان‌اش در دمشق، مقامات امنیتی سوریه با کمک فناوری شنود شوروی موفق به شناسایی سیگنال‌های او شدند. کوهن دستگیر شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او در یک دادگاه نظامی به جرم جاسوسی محاکمه و به اعدام محکوم شد. با وجود تلاش‌های بین‌المللی، از جمله درخواست‌های پاپ پل ششم، دولت‌های فرانسه، بلژیک و کانادا و حتی میانجی‌گری اسرائیل از طریق شوروی، حکم اعدام لغو نشد. در ۱۸ مه ۱۹۶۵، الی کوهن در میدان مرجه دمشق به‌صورت علنی به دار آویخته شد. اعدام او به‌صورت زنده از تلویزیون سوریه پخش شد.

یک جاسوس در مسیر نخست‌وزیری سوریه

طبق برخی استاد، مجید شیخ‌الارض، یک خبرچین آمریکایی در سوریه، به کوهن در ورود به دمشق و جابه‌جایی تجهیزات جاسوسی کمک کرد. برخی منابع، مانند برادر کوهن (موریس کوهن، جاسوس موساد)، ادعا کردند که او نفر سوم برای جایگزینی نخست‌وزیر سوریه بود. اما این ادعاها ممکن است اغراق‌آمیز باشند. پس از سقوط دولت بشار اسد در دسامبر ۲۰۲۴، اسرائیل تلاش‌هایی برای یافتن بقایای جسد کوهن و استاد باقی‌مانده و آغاز کرده است. اما تاکنون موفقیت چشمگیری نداشته است.

دیدگاه

چرا جیمز کامرون هنوز از جنگ هسته‌ای می ترسد؟

جیمز کامرون از بزرگترین انتقادات نسبت به فیلم اخیر کریستوفر نولان، «اوپنهایمر» پرده‌برداری کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خبرآنلاین، نزدیک به سی سال است که جیمز کامرون فیلمی ببرون از دنیای «تایتانیک» نساخته است برای سینمای جهان: موضوعی که ممکن است این تصور را ایجاد کند که او ارتباطش را با دنیای واقعی از دست داده.

اما اگر فیلم «آواتار: راه آب» محصول سال ۲۰۲۲ را دیده باشید، به‌خوبی متوجه می‌شوید که کامرون کاملاً از آن چه در سیاره ما می‌گذرد، آگاه است. در این فیلم، نظامیان و شرکت‌های چندملیتی ضدقهرمان گنده‌وساکنان بومی، بادورا به‌وضوح نقش قهرمان را دارند هرچند که در میان خودنیز اختلاف‌نظرهایی دارند.

کامرون همواره فیلم‌سازی انسان‌دوست بوده است. از «هزینه‌ناور» و «بیگفکان» گرفته تا «تایتانیک» و فیلم‌های «آواتار» آثار او بر وجدان مخاطب تأثیر می‌گذارند. او با موضوعاتی چون تبعیض جنسیتی و نابرابری طبقاتی مواجه شده، اما بیشترین هراس همیشگی‌اش به‌وضوح جنگ هسته‌ای است.

نویسنده این گزارش با یادآوری نخستین مواجهه‌اش با فیلم «هزینه‌ناور» در ۱۱ سالگی، اشاره می‌کند که این فیلم در مقایسه با آثار مشابه در ژانر علمی-تخیلی، تأثیر عمیق‌تری در ایجاد هراس از جنگ اتمی داشته است.

ادامه «این ترس در «هزینه‌ناور ۲: روز داوری» نیز تشدید شد اما کوروسوی امیدی را نیز در دل مخاطب باقی گذاشت: اینکه شاید بتوانیم با شناخت ارزش زندگی انسانی، از نابودی خود جلوگیری کنیم.

جیمز کامرون هیچ‌گاه از دغدغه جنگ هسته‌ای فاصله نگرفته و حالا تصمیم دارد با اقتباس از کتاب جدید چارلز پلگرینو با نام ارواح هیروشیما بار دیگر توجه جهان را به این مسئله جلب کند. اما چرا حالا؟ چون به گفته خودش، فیلم «اوپنهایمر» ساخته کریستوفر نولان در مواجهه با این موضوع، راه را اشتباه رفته است.

«اوپنهایمر» از نظر اخلاقی عقب‌نشینی کرده است

در مصاحبه‌های جدید با دداییلین، کامرون از برنامه‌اش برای اقتباس از کتاب ارواح هیروشیما صحبت کرده است. البته هنوز حتی نگارش فیلمنامه را آغاز نکرده اما گفته که ۱۵ سال است به این پروژه فکر می‌کند.

کتاب پلگرینو که قرار است ۱۵ اوت منتشر شود به شکل عمیقی به وقایع پس از بمباران هیروشیما و ناگازاکی می‌پردازد از لحظاتی روایت می‌شود که انسان‌ها در پی عزیزانی بودند که تنها استخوان‌های دفاش‌ان بر جای مانده بود. بیشتر بازماندگان در کوتاهمدت بر اثر تابش رادیواکتیو یا سرطان جان باختند.

وقتی از کامرون پرسیده شد که پس از موفقیت اوپنهایمر چه چیزی برای اضافه کردن دارد و با صراحت همیشگی‌اش گفت: «فیلم جالب است که کریستوفر نولان از چه چیزهایی پرهیز کرد من عاشق سبک فیلم‌سازی‌اش هستم، اما حس کردم فیلم از لحاظ اخلاقی یک جور عقب‌نشینی بود. چون اوپنهایمر کاملاً از عواقب بمب خبر داشت. در فیلم فقط یک صحنه کوتاه هست که بدن‌های سوخته را می‌بینیم و بعد فیلم به‌سرعت وارد احساسات اوپنهایمر می‌شود و می‌گوید چقدر تحت تأثیر قرار گرفته. اما به نظرم فیلم موضوع اصلی را دور زد.»

کامرون افزود: «می‌دانم که نولان یا استودیو فکر کردند این موضوع یک خط قرمز است و نباید به آن پرداخت یا نه. اما من دقیقاً می‌خواهم سراغ آن خط قرمز بروم. من همین‌قدر دیوانه‌ام.»

او گفته که اقتباس از ارواح هیروشیما با نگاهی بی‌پرده و واقع‌گرایانه ساخته خواهد شد و تجربه‌ای خواهد بود متفاوت از هر فیلم دیگری که تاکنون ساخته است.

کامرون امیدوار است با این پروژه، جهان را نسبت به فاجعه‌ای که همچنان در سایه‌اش زندگی می‌کنیم، آگاهتر کند؛ چرا که به‌زعم او، تکانی که کنترل زرادخانه‌های هسته‌ای را در دست دارند، یا دیوانه‌اند یا ابله یا هر دو.

برش

شدت صدای داخل کابین جنگنده‌های مدرن چقدر است؟

مشکل صدای داخل کابین و اثرات آن بر سلامت خلبانان، از دیرباز جزو یکی از نگرانی‌های اصلی در هواپوردی نظامی محسوب می‌شود — حتی پیش از ظهور جت‌های جنگنده‌ی این مسئله در سال‌های پس از جنگ جهانی اول نیز مطرح شده بود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از رویترز، جنگنده‌های مدرن صدای بسیار بلندی دارند؛ هنگام برخاستن از زمین و استفاده از پس‌سوز، سطح صدای آن‌ها می‌تواند به ۱۴۰ تا ۱۵۳ دسی‌بل برسد — میزانی که اگر فردی در فاصله‌ای نزدیک قرار داشته باشد، ممکن است پرده گوشش پاره شود. این صدای انفجاری که مشخصه جنگنده‌هاست، عمدتاً از موتورهای بسیار بزرگ و پرقدرت آن‌ها نشأت می‌گیرد. این موتورها با تخلیه گازهای خروجی، صدایی تیز و گوش‌خراش تولید می‌کنند. در داخل کابین خلبان نیز این صدا به شدت بالاست. در واقع، مشکل صدای داخل کابین و اثرات آن بر سلامت خلبانان، از دیرباز جزو یکی از نگرانی‌های اصلی در هواپوردی نظامی محسوب می‌شود — حتی پیش از ظهور جت‌های جنگنده، این مسئله در سال‌های پس از جنگ جهانی اول نیز مطرح شده بود.

با این حال، خلبانان فقط با صدای غرش موتورهای جت سر و کار ندارند. سیستم‌های تهویه و کنترل محیطی داخل کابین تجهیزات ارتباطی و رادیویی و همچنین نویزهای خارجی نیز به این مشکل می‌افزایند. بنابراین این سوال مطرح می‌شود که چقدر صدای داخل کابین جنگنده‌های مدرن زیاد است؟ سطح نویز درون کابین معمولاً بین ۹۵ تا ۱۰۰ دسی‌بل است که این میزان می‌تواند تأثیرات جدی بر سلامت جسمی و روانی خلبانان بگذارد.

تأثیر صدای داخل کابین جنگنده‌ها بر خلبانان

یک مطالعه در سال ۲۰۲۳ که در نشریه انجمن کرهای هواپوردی و هوافضا منتشر شد، نشان داد که صدای داخل کابین جنگنده‌ها تأثیرات شدید فیزیولوژیکی و روانی بر خلبانان می‌گذارد. از جمله پیامدهای جسمی این صداها می‌توان به احساس ناراحتی در گوش، کاهش شنوایی و حتی پارگی پرده گوش اشاره کرد. در بُعد ذهنی و روانی نیز علائمی مانند اضطراب، خستگی بی‌حالی و موارد دیگر گزارش شده‌اند. نتایج روان‌شناختی این مطالعه نیز شامل بروز استرس، ضعف در حافظه و افزایش میزان خطا در عملکرد خلبانان می‌شود.

بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان در این پژوهش تأیید کردند که نویز داخل کابین تأثیر منفی بر سلامت آن‌ها گذاشته است. پژوهشگران در نتیجه‌گیری خود تأکید نمودند که این پیامدهای منفی می‌توانند سلامت شنوایی خلبانان نیروی هوایی و همچنین توانایی‌های حسی، شناختی و ادراکی آن‌ها را تحت‌تأثیر قرار دهند. آن‌ها هشدار دادند که نویز شدید می‌تواند عملکرد خلبان را کاهش داده و در نتیجه، ایمنی پرواز را به خطر بیندازد.

این کشور ۱۸ فروند جنگنده اف-۱۶ - فایتینگ فالکون، را به قیمت ۱ یورو از هلند خرید.

این یافته‌ها با تحقیقات قبلی نیز هم‌راستاست؛ از جمله مطالعه‌ای در سال ۱۹۹۸ در کتابخانه ملی پزشکی آمریکا که نشان داد ۵۶٪ از ۱۶۶ خلبان شرکت‌کننده دچار کاهش شنوایی در فرکانس‌های بالا شدند، به بیان ساده‌تر، صرف‌نظر از میزان آمادگی و آموزش خلبانان، قرار گرفتن طولانی‌مدت در معرض صدای کابین جنگنده‌ها همچنان خطرات جدی برای سلامت آن‌ها به همراه دارد.

محافظت از خلبانان جنگنده در برابر صدای داخل کابین

دو روش اصلی برای محافظت در برابر نویز وجود دارد: حذف نویز غیرفعال (PNC) و حذف نویز فعال (ANC) — شاید این اصطلاحات را در رابطه با هدفون‌های نویزگیر شنیده باشید. حذف نویز غیرفعال شامل وسایلی مانند گوشی‌های محافظ و گوش‌گیرهایی است که از فناوری‌های سنتی جذب صدا استفاده می‌کنند و می‌توانند شدت نویز این ۱۵ تا ۲۵ دسی‌بل کاهش دهند. این روش برای فرکانس‌های متوسط و بالا مؤثر است، اما در برابر فرکانس‌های پایین کارایی کمتری دارد.

در مقابل، حذف نویز فعال با کمک فناوری هوشمند مورد استفاده قرار می‌گیرد. این فناوری با تولید موج صوتی معکوس نسبت به صدای اصلی، نویزهای ناخواسته را فرکانس پایین را بهطور مؤثر خنثی می‌کند. در کلاه خلبانان جنگنده سیستم حذف نویز فعال معمولاً حدود ۱۰ تا ۱۵ دسی‌بل کاهش می‌دهد. با این حال، به‌دلیل محدودیت‌ها در طراحی، اکثر کلاه خلبانان جنگنده هنوز به سیستم حذف نویز فعال مجهز نشده‌اند. دانشمندان توصیه می‌کنند برای محافظت کامل از شنوایی و سلامت ذهنی خلبانان، از ترکیبی از هر دو فناوری حذف نویز فعال و غیرفعال استفاده شود.